

نقد و بررسی ادله تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات قرآنی بوسیله خبر واحد و جایگاه آن در اختلاف فتاوا

فاطمه رجائی^۱، دانشیار دانشگاه حکیم سبزواری.
مصطفی مؤمنی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی سبزواری.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال چهاردهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۴۳-۵۴
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

چکیده

یکی از مسائلی که در کتب اصولی، پس از غیبت کبری، محل اختلاف و عرصه‌ی آراء میان علمای این علم بوده، مسئله‌ی تخصیص و تقیید قرآن به وسیله‌ی خبر واحد است. ضرورت بررسی این موضوع از آن روست که پذیرش یا عدم پذیرش آن، منجر به تفاوت در استنباط احکام فقهی و در نتیجه، بروز اختلاف در فتاوا می‌گردد. این نوشتار پس از بیان ادله‌ی اصولیان درباره‌ی تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات قرآن با خبر واحد، به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و تحلیلی به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته و برخی از موارد اختلاف فتاوا مانند: حرمت ربا در تمام مصادیق، عدم قصر نماز در مواردی غیر از حالت خوف، حرمت خاص رضاع، عدم تفاوت میان فرزندان مشروع و زنازاده در ارث و... را برشمرده است. پس از بررسی مجموعه‌ی دلایل و آرای گوناگون در این زمینه - از جمله دیدگاه‌هایی چون: حجیت خبر واحد و امکان تخصیص قرآن با آن؛ عدم حجیت خبر واحد و در نتیجه، عدم امکان تخصیص یا تقیید قرآن با آن؛ و نیز جواز تخصیص در صورتی که قرآن پیش‌تر با دلیل قطعی دیگری تخصیص یافته باشد - این نتیجه حاصل شده است که با توجه به اینکه قرآن کریم در مقام بیان کلیات احکام است، دلایل موافقان تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات قرآنی به وسیله‌ی خبر واحد از قوت و اتقان بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: تخصیص عام، خبر واحد، تقیید اطلاق، اطلاق قرآنی، اختلاف فتاوا

مقدمه

یکی از مسائلی که در علم اصول فقه بدان پرداخته می‌شود، موضوع امکان تخصیص عمومات قرآن و نیز تقیید اطلاقات قرآنی به وسیله‌ی خبر واحد است؛ به این معنا که آیا هنگامی که در قرآن، یک حکم فقهی به صورت عام مطرح گردیده و شامل همه‌ی مصادیق می‌شود، آیا خبر واحد می‌تواند دامنه‌ی شمول آن حکم را محدود کند یا خیر؟ اهمیت و ضرورت این بحث از آن روست که پذیرش یا رد هر یک از این دو دیدگاه، منجر به تفاوت در فتاوی‌ای فقهی و در نتیجه، بروز اختلاف میان فقها می‌شود؛ چنان‌که این مسئله سبب بروز اختلاف نظرهای فراوانی در میان فقهای قدیم و معاصر در مسائل فقهی شده است.

برای نمونه، برخی فقها با استناد به روایاتی که در آنها از عدم ارث‌بری فرزندی که پدر خود را به قتل رسانده سخن رفته، حکم به محرومیت چنین فرزندی از ارث داده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر از فقها همچون سید مرتضی و نیز برخی از فقهای معاصر مانند صادقی تهرانی، قائل به ارث‌بری چنین فرزندی شده‌اند. دلیل ایشان آن است که مسئله‌ی ارث در قرآن به صورت عام بیان شده و تخصیص نخورده است، و از آنجا که از نظر آنان خبر واحد صلاحیت تخصیص عمومات قرآنی را ندارد، چنین روایاتی قابل استناد نخواهند بود.

شایان ذکر است که در این زمینه کتاب مستقلی نگاشته نشده، بلکه اغلب علمای اصول در ذیل مبحث «عام و خاص» در آثار اصولی خود به آن پرداخته و دلایل پذیرش یا رد آن را بیان کرده‌اند. حتی اصولیون متقدمی همچون شیخ مفید در تذکره الأصول، شیخ طوسی در عده الأصول، و علامه حلی در مبادی الوصول إلى علم الأصول، این مسئله را مطرح کرده‌اند. اگرچه مقالاتی مانند «تخصیص عام قرآن با خاص خبر معتبر» از امان‌الله علیمرادی و «بررسی دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی در تخصیص عمومات قرآن با خبر واحد ثقه» از محمد مهدی ولی‌زاده و ابوالقاسم ولی‌زاده در این زمینه نگاشته شده‌اند، اما تفاوت این نوشتار با آثار پیش‌گفته در چند نکته اساسی است؛ اولاً، این پژوهش تمامی آراء مشهور اصولیان و ادله‌ی آنان را گردآوری کرده است؛ ثانیاً، به نقد و بررسی استدلال‌های موافقان و مخالفان پرداخته است؛ ثالثاً، مواردی از اختلاف فتاوا که ناشی از این مسئله بوده، به تفصیل و تفکیک بیان شده است؛ و رابعاً، نتیجه‌گیری این نوشتار با نتایج مقالات پیشین متفاوت است. بر این اساس، در این مقاله به بررسی امکان تخصیص و تقیید عمومات و مطلقات قرآنی به وسیله‌ی خبر واحد پرداخته می‌شود و تبیین خواهد شد که انتخاب هر یک از دو دیدگاه امکان یا عدم امکان تخصیص و تقیید، چه تأثیری در صدور فتاوی‌ای فقهی خواهد داشت.

۱. بررسی ادله تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات کتاب الهی با خبر واحد

در این مسئله میان اصولیان اختلاف نظر جدی وجود دارد. به‌طور کلی، می‌توان گفت اصولیان متقدم شیعه از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید و سید مرتضی، قائل به عدم حجیت تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات کتاب الهی به‌وسیله‌ی خبر واحد هستند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۴۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۸). اما از زمان علامه حلی (حلی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۳) به بعد، غالب اصولیان به حجیت تخصیص کتاب الهی با خبر واحد قائل شده‌اند (غروی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۶۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۶۵؛ عراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۸؛ بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۷؛ آخوند خراسانی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۳۶؛ انصاری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰؛ خوئی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۳۱۰). هر یک از این دو گروه، برای تأیید دیدگاه خود به ادله‌ای استناد کرده‌اند که در ادامه به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. ادله مخالفان تخصیص کتاب با خبر واحد و نقد آن

اصولیان اولیه شیعه مانند شیخ صدوق، شیخ مفید و سایر علمای پیش از علامه حلی، قائل به عدم جواز تخصیص عمومات و اطلاقات قرآنی به‌وسیله‌ی خبر واحد بوده‌اند. شیخ مفید تفسیر قرآن را در حوزه‌ی معارف دین دانسته و بر این باور است که در این حیطه، قطع و یقین باید معیار و ملاک قرار گیرد (مصنفات، ج ۵، ص ۱۲۳). مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر، عمدتاً بر چهار دلیل تکیه کرده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱-۱. قطعی‌الصدور بودن قرآن و ظنی‌السند بودن خبر واحد

«قرآن قطعی‌الصدور است و خبر واحد ظنی‌السند است. بنابراین نمی‌توان به وسیله دلیل ظنی دست از دلیل قطعی کشید و آن را رد کرد». (بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۷). شیخ طوسی نیز می‌نویسد: «در باب تخصیص نظرات مختلفی وجود دارد. کسانی که اساساً به حجیت خبر واحد قائل نیستند، طبیعتاً تخصیص به‌وسیله‌ی آن را نیز نمی‌پذیرند؛ چنان‌که سید مرتضی چنین دیدگاهی دارد. عیسی بن ابان بر این باور است که اگر آیه‌ای قبلاً تخصیص خورده باشد، تخصیص مجدد آن با خبر واحد جایز است، در غیر این صورت جایز نیست. برخی دیگر گفته‌اند که اگر آیه با دلیلی متصل مانند استثناء تخصیص خورده باشد، تخصیص آن با خبر واحد جایز نیست؛ اما اگر با دلیل منفصل دیگری تخصیص خورده باشد، تخصیص با خبر واحد جایز خواهد بود. اینان معتقدند تخصیص کتاب با خبر واحد جایز نیست؛ زیرا کتاب مفید علم است و خبر واحد، مفید ظن، و بنابراین کنار گذاشتن دلیل علمی به سبب دلیلی ظنی جایز نمی‌باشد». (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۴۳). شیخ مفید نیز بر این اساس قائل به عدم حجیت خبر واحد در تخصیص کتاب است و دلیل آن را عدم افاده‌ی علم توسط خبر واحد می‌داند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸).

بررسی این استدلال

اگرچه سند قرآن قطعی است، اما دلالت بسیاری از آیات، ظنی الدلاله است. محل بحث نیز تعارض میان دلالت آیه و دلالت خبر واحد است، نه صدور آن‌ها. بنابراین، نزاع در اینجا درباره‌ی ظنی یا قطعی بودن دلالت‌هاست، نه صدور آن‌ها. آخوند خراسانی در این زمینه می‌نویسد: «کتاب الهی هر چند از نظر صدور، قطعی است؛ اما از جهت دلالت، ظنی است. بنابراین، اختلاف میان عموم کتاب و خبر واحد، از نوع اختلاف میان دو دلیل ظنی است. بلکه اگر از صدور خبر، قطع حاصل شود، حجیت آن قطعی خواهد بود و در نتیجه با دو دلیل ظنی الدلاله مواجه خواهیم بود» (آخوند خراسانی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۳۶)

۱-۱-۲. نسخ و تخصیص؛ قیاس ناپذیر بودن این دو

یکی از دلایل مخالفان تخصیص قرآن به وسیله‌ی خبر واحد آن است که اگر بتوان کتاب را با خبر واحد تخصیص زد، در نتیجه باید بتوان به وسیله‌ی همان خبر، حکم به نسخ آن نیز داد؛ حال آنکه نسخ قرآن با خبر واحد، به اجماع علما مردود است؛ بنابراین تخصیص نیز جایز نخواهد بود (بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۷)

در نقد این استدلال باید گفت: اولاً، هیچ دلیل قطعی بر عدم جواز نسخ به وسیله‌ی خبر واحد وجود ندارد؛ ثانیاً، حتی اگر فرض شود چنین دلیلی وجود دارد، باز هم این امر ملازمه‌ای با عدم جواز تخصیص نخواهد داشت (آخوند خراسانی، ۱۴۳۲ق، ص ۲۳۶). افزون بر این، باید به تفاوت ماهوی میان نسخ و تخصیص توجه داشت. نسخ، به معنای رفع حکم ثابت و جایگزینی حکم جدید است، و از این رو امری بسیار مهم بوده و نیازمند ثبت و ضبط گسترده‌ای است؛ از این رو نقل آن با خبر واحد کفایت نمی‌کند. اما تخصیص، صرفاً بیان دایره شمول حکم و تحدید قلمرو آن است، که امری رایج و طبیعی در فرایند بیان احکام شرعی است. به همین دلیل، داعی بر نقل و ضبط تخصیص ضعیف‌تر از نسخ بوده و خبر واحد در این زمینه می‌تواند معتبر تلقی شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۵۵۶).

برخی از علما بر این باورند که مهم‌ترین دلیل حجیت خبر واحد، اجماع است؛ حال آنکه این دلیل، دلالتی بر حجیت خبر در عرض کتاب الهی ندارد (بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۷). در پاسخ باید گفت: اثبات حجیت خبر واحد از راه اجماع، محل اشکال است؛ چرا که آنچه به عنوان مبنای حجیت خبر واحد مطرح است، سیره عقلا و بنای ایشان در مقام احتجاج و گفت‌وگو است، نه اجماع به معنای اصطلاحی آن

نخستین کسی که ادعای اجماع در این باب را مطرح کرد، شیخ طوسی در کتاب عده بود. وی معتقد است که از زمان پیامبر اسلام، اجماع اصحاب بر عمل به خبر واحد وجود داشته است. البته از ظاهر کلام شیخ چنین برمی‌آید که مراد وی از اجماع، همان سیره مستمر اصحاب و عقلا‌ی صدر اسلام بر عمل به خبر واحد بوده است؛ نه اینکه این سیره، از حیث دینداری ایشان و به استناد روایات خاص

شکل گرفته باشد، بلکه صرفاً از آن جهت که اصحاب، در مقام احتجاج، رفتار عقلایی داشتند در نتیجه، می‌توان گفت دلیل اصلی حجیت خبر واحد، همان بنای عقلایی است؛ همچنان که حجیت عموماً نیز مبتنی بر اصل عقلایی تطابق مراد استعمالی با مراد جدی است. از سوی دیگر، بنای عقلا در موارد تخصیص، بر پذیرش تخصیص عام به وسیله دلیل خاص استوار است، و خبر واحد نیز به عنوان مخصص، در این بنای عقلایی قرار می‌گیرد. (تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۰۵-۳۰۸؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۵۹-۵۶۲؛ عراقی، ۱۴۳۱ق، ص ۴۵۰-۴۵۳)

۱-۳-۱. اخبار ناهی از مخالفت روایت با قرآن

دلیل دیگری که برای عدم جواز تخصیص قرآن با خبر واحد ذکر می‌شود، استناد به روایات فراوانی است که دلالت دارند اگر روایتی مخالف کتاب باشد، باید آن را کنار گذاشت (بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۷)

در پاسخ به این استدلال باید گفت این اخبار را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: الف) روایاتی که دلالت دارند در صورتی که مفاد خبر واحد با یک یا دو آیه قرآن سازگار باشد، می‌توان به آن عمل کرد، (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۴۳۶)، ب) روایاتی که در مقام تعارض اخبار، دستور به عرضه بر قرآن می‌دهند، ج) روایاتی که دلالت دارند آنچه مخالف کتاب است، زائد و مردود است. (همان، ج ۱۸، ص ۴۲۶) و د) روایاتی که به صراحت امر به عرضه اخبار بر قرآن، و قبول آنچه با قرآن موافق و رد آنچه مخالف است، صادر شده‌اند. (همان)^۱

در خصوص دسته اول باید گفت، اگر مفاد خبر با قرآن موافق باشد، دیگر نیازی به بررسی حجیت آن نیست؛ زیرا مطابقت با قرآن، خود دال بر اعتبار محتواست. به نظر می‌رسد این دسته روایات، در مقام تحدید و تنظیم دایره عمل به اخبارند، نه در مقام نفی کلی حجیت آن‌ها. (حائری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷). در مورد دسته سوم و چهارم، باید توجه داشت که این روایات معمولاً ناظر به اخبار مخالف به صورت تباین تام هستند؛ یعنی تعارض کامل و غیرقابل جمع، که اغلب در حوزه روایات اعتقادی (نظیر جبر، نفیض، جسمانیت و...) مطرح می‌شود، نه مواردی همچون تعارض عام و خاص که از دیدگاه عقلا، نوعی تباین محسوب نمی‌شود

افزون بر آن، روایات بسیاری از پیامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام وارد شده که به‌طور مستقیم عموماً قرآن را تخصیص زده‌اند و سیره مستمر اصحاب نیز عمل به این روایات بوده است. بنابراین، واضح است که مراد این روایات، نهی از عمل به روایات مجعول و ساختگی، به‌ویژه در حوزه اعتقادات است، نه رد کلی حجیت خبر واحد. خلاصه کلام، سیره اصحاب و نیز اخبار متعدد و متواتر از معصومان علیهم‌السلام که مؤید این سیره‌اند، بر عمل به اخبار در مقام تخصیص و تقیید کتاب خدا دلالت دارند. بنابراین، روایاتی که بر نهی از عمل به روایت مخالف با قرآن وارد شده‌اند، توان مقابله با این سیره ثابت و مستمر را ندارند. (بروجردی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵-۳۶۷)

۱. «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زَخْرَفٌ».

۱-۱-۴. مخالفت با اصل بلاغت و فصاحت

یکی از معدود فقهای معاصر که صراحتاً با تخصیص عمومات و تقييد اطلاقات قرآن به وسیله خبر واحد مخالفت کرده، آیت‌الله صادقی تهرانی است. وی از شاگردان امام خمینی و آیت‌الله بروجردی بوده و به «فقیه قرآنی» شهرت یافته است. ایشان در بیان دلیل خود چنین می‌نویسد: «از آن‌جا که قرآن کریم در مقام بیان احکام است و خداوند متعال توانایی بر ذکر موارد تخصیص داشته، اما با این حال، احکام را به صورت عام بیان کرده است، اگر ما قائل به تخصیص این عمومات به وسیله خبر واحد شویم، این امر با بلاغت و فصاحت قرآن ناسازگار خواهد بود؛ چراکه لازمه آن، مهمل‌گویی در کلام الهی است و این که خداوند تبیین مفاهیم را به روایات واگذار کرده، در حالی که خود قادر به بیان آن بوده است، و این برخلاف شأن بلاغت و فصاحت است.» (صادقی تهرانی، ۱۳۷۰، ص ۳۸-۴۱)

در نقد این دیدگاه باید گفت که استناد به بلاغت و فصاحت در این زمینه جایگاه قابل قبولی ندارد؛ چراکه قرآن، مطابق تصریح اغلب اصولیان، در مقام بیان کلیات احکام است و بیان تمامی قیود، شروط، استثناءها و موارد تخصیص، اولاً امکان‌پذیر نبوده و ثانیاً با حکمت نزول تدریجی قرآن و وابستگی بخشی از تبیین‌ها به سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تضاد است. به همین دلیل، نهاد تبیین و شرح مفاهیم در منظومه دین، به روایات معتبر و اگذار شده است. بر همین اساس، بسیاری از اصولیان مانند مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۵۶)، علامه طباطبایی (۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۶۵)، عراقی (بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۸)، بروجردی (۱۳۷۵، ص ۳۶۷)، غروی اصفهانی (۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱۳ و ص ۶۵۹)، آخوند خراسانی (۱۴۳۲ق، ص ۲۳۶)، انصاری (۱۳۸۳، ص ۲۱۰) و خویی (۱۳۷۰، ج ۵، ص ۳۱۰) بر این نکته تأکید دارند که این اشکال وارد نیست

با دقت در مجموع ادله مخالفان تخصیص قرآن به وسیله خبر واحد، می‌توان دریافت که اساس این دیدگاه عمدتاً به عدم حجیت خبر واحد بازمی‌گردد؛ نه آن که خصوصیتی در قرآن وجود داشته باشد که مانع از تخصیص آن شود. همان‌گونه که شیخ مفید تصریح کرده است، مخالفت با تخصیص عام قرآنی به وسیله خبر واحد، از آن‌روست که خبر واحد، افاده علم نمی‌کند و فاقد اعتبار علمی است: «عدم تخصیص عام قرآنی به وسیله خبر واحد، مبتنی بر این است که خبر واحد موجب علم نیست و اعتبار شرعی ندارد.» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸). همچنین سید مرتضی در همین راستا می‌نویسد: «از آن‌رو که خداوند، ما را در شریعت به عمل بر اساس خبر واحد مکلف نساخته است، تخصیص عام قرآن به وسیله خبر واحد ممکن نیست» (علم الهدی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۲)

۱-۲. ادله موافقان تخصیص کتاب با خبر واحد

در میان علمای متقدم، از زمان علامه حلی به بعد، تمامی اصولیان شیعه قائل به جواز تخصیص عمومات و تقييد اطلاقات قرآنی به وسیله خبر واحد بوده‌اند. در میان اصولیان متأخر، اختلافی در

اصل این مسئله دیده نمی‌شود، هر چند در استناد به ادله و نحوه تقریر آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. موافقان این نظریه به‌طور کلی بر چهار دلیل اصلی تکیه کرده‌اند

۱-۲-۱. سیره اصحاب و عمل مداوم از عصر معصومین تا کنون

یکی از مهم‌ترین ادله در اثبات حجیت خبر واحد در تخصیص عمومات قرآن، استناد به سیره اصحاب و مشرعه است. مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، بر همین مبنا حجیت خبر واحد در تخصیص را پذیرفته و به استمرار این سیره از زمان پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) تا عصر حاضر اشاره می‌کند. ایشان اضافه می‌کند که حتی عرب جاهلی نیز چنین سیره‌ای را در تعامل با اخبار پذیرفته و بدان استناد می‌کرده‌اند. در پاسخ به استناد مخالفان به اخبار ناهی از پذیرش روایات مخالف کتاب نیز می‌گوید: اولاً، بی‌شمار روایاتی در دست است که به ظاهر با عمومات قرآن مخالفت دارند و مورد عمل قرار گرفته‌اند؛ ثانیاً، این نوع مخالفت از سنخ «تعارض عام و خاص» است، نه «مخالفت تباینی». (حائری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷)

۱-۲-۲. بنای عقلاء بر حجیت خبر واحد

بنای عقلاء بر عمل به خبر واحد، یکی از مهم‌ترین و پیر بسامدترین ادله در کلمات اصولیان برای اثبات جواز تخصیص قرآن به وسیله خبر واحد است. علما و فقه‌های بزرگی مانند مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۵۶)، علامه طباطبایی (۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۶۵)، عراقی (بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۸)، بروجردی (۱۳۷۵، ص ۳۶۷)، غروی اصفهانی (۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۶۵۹)، آخوند خراسانی (۱۴۳۲ق، ص ۲۳۶)، شیخ انصاری (۱۳۸۳، ص ۲۱۰)، خوبی (۱۳۷۰، ج ۵، ص ۳۱۰؛ ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۷۳-۳۷۸؛ ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۷۰)، تبریزی (۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۰۵-۳۰۸)، و حتی امام خمینی (۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۴۷) به صراحت یا تلویح به این بنای عقلائی استناد کرده‌اند

۱-۲-۳. سیره علمای شیعه در عمل به اخبار آحاد

مرحوم شیخ انصاری، حجیت خبر واحد در تخصیص قرآن را مستند به سیره علمای امامیه می‌داند. به‌زعم او، فقه‌های شیعه از دیرباز، عمومات قرآنی را با روایات معتبر (ولو خبر واحد) تخصیص زده‌اند و این رویه نه تنها در فقه، بلکه در تفسیر و تاریخ نیز دنبال شده است. (آملی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۱۸). علامه خوبی در تأیید این دیدگاه بیان می‌کند که حجیت خبر واحد از نوع علم تبعدی است؛ یعنی شارع مقدس با اعتبار دادن به خبر ثقه، آن را همانند علم معتبر دانسته است، حتی اگر محتوا در حوزه‌ای مانند آسمان‌ها و ملکوت باشد: «به نظر ما، اگر خبر واحدی از معصوم (ع) برسد که مثلاً در آسمان هفتم چنین و چنان است، آن خبر حجیت دارد و می‌توان بر اساس آن عمل کرد؛ چرا که شارع، خبر ثقه را همانند علم پذیرفته است» (خوبی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۹)



۱-۲-۴. حکومت

از منظر برخی اصولیان، تعارض میان عمومات قرآن و خبر واحد، تعارض بین دو دلیل ظنی در مقام دلالت است، نه تعارض در مقام صدور. بنابراین تعارض میان دلالت آیه با دلالت خبر واحد است و بنا بر قاعده حکومت خبر واحد بر اصالت ظهور ارجح است و باید به خبر واحد عمل کرد و از ظهور آیه دست برداشت. این دیدگاه به ویژه از سوی اصولیانی مانند علامه خوئی (۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۶) و نائینی (۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۵۶۱) مورد توجه قرار گرفته است.

۲. بررسی تأثیر تخصیص و تقیید قرآن با خبر واحد در فتاوا

بدون شك، اتخاذ مبانی مختلف در مباحث اصول فقه، تأثیر مستقیم و عمیقی بر استنباط و استخراج احکام فقهی دارد. موضوع تخصیص و تقیید قرآن با خبر واحد نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به این معنا که اگر فقهی دیدگاه امکان تخصیص آیات قرآن به وسیله خبر واحد را بپذیرد، فتاوای او در مسائل مرتبط، غالباً با فقهی که این امکان را نپذیرفته و خبر واحد را مخصص آیات قرآن نمی‌داند، تفاوت خواهد داشت. بر همین اساس، در این بخش به برخی از اختلافات فقهی ناشی از این مبنای اصولی پرداخته می‌شود.

۲-۱. مبحث ارث

موافقان تخصیص کتاب با خبر واحد، با استناد به روایات نبوی همچون «لا میراث للقاتل» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۴۱) و «الكافر لا يرث من المسلم»، کفر و قتل را موانع ارث دانسته و بر اساس این روایات از عموم آیات ارث دست برداشته و فتوا داده‌اند. (حلی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۵-۶۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۶۳-۳۷۰؛ خوئی، ۱۴۳۲ق، ص ۱۲۵-۲۵۰؛ همو، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۶۴-۲۱۱). در مقابل، مخالفان تخصیص با استناد به عموم آیات قرآن در این باب فتوا داده و معتقدند که کافر و مسلمان در موضوع ارث برابرنند، چرا که قرآن میان آن‌ها تفاوتی نگذاشته است. آنان همچنین درباره روایاتی مانند «لا يرث الكافر من المسلم» معتقدند این روایات ظنی و غیر قطعی است و بر اساس ظن نمی‌توان از عموم قرآن چشم‌پوشی کرد. (علم الهدی، ۱۳۷۳، ص ۵۸۷). آیت‌الله صادقی تهرانی نیز بر همین اساس معتقد است که فرزند مشروع و زنازاده از ارث یکسان برخوردارند و زنازادگی مانع ارث‌بری نیست. (صادقی تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۸)

در بحث ارث بردن زن از مرد نیز، موافقان تخصیص بر آن‌اند که عموم آیه با حدیث پیامبر (ص) که فرموده‌اند: «زن از مرد ارث می‌برد مگر از غیر منقولات» تخصیص یافته است؛ برخی بر اساس این روایات معتقدند زن از زمین مرد ارث نمی‌برد و آن را از ماترک خارج کرده‌اند و برخی دیگر قائل به ارث بردن تنها از قیمت زمین شده‌اند. این دیدگاه در فتاوای امام خمینی نیز منعکس شده است. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۹۸)، اما مخالفان تخصیص بر اساس عموم

آیه معتقدند که زن از کل مائرک مرد ارث می‌برد و در فتاوی خود به این اصل وفادار مانده‌اند.
(طوسی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۶۸-۷۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۲-۳۴۴)

۲-۲. نماز مسافر

فقهایی که به تخصیص قرآن با خیر واحد معتقدند، بر قصر نماز در حال مسافرت حتی در صورت عدم خوف، بنا بر برخی روایات فتوا داده‌اند. آنان می‌گویند: گرچه در آیه تنها از خوف سخن رفته و درباره حالت امن سکوت شده، ولی روایت معصوم (ع) قصر نماز مسافر را هم در حالت خوف و هم در حالت امنیت تأیید کرده است. (عراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۸۱؛ بروجردی، بی‌تا، ص ۹۲-۹۳). در مقابل، مخالفان تخصیص بر عموم آیه تأکید کرده و معتقدند که از آنجا که در آیه تنها خوف ذکر شده است، تنها در صورت وجود خوف، مسافر می‌تواند نماز را قصر بخواند و در غیر این حالت باید تمام نماز را به جا آورد. (صادقی تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۰)

۲-۳. اعتکاف

در بحث اعتکاف، آیه «وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره/۱۸۷) اعتکاف را در تمام مساجد جایز می‌داند، اما روایاتی وارد شده که آن را مختص به مسجد جامع دانسته‌اند. بر این اساس، موافقان تخصیص، اعتکاف را مختص به مساجد جامع دانسته‌اند، چنان‌که آیت‌الله خوئی نیز چنین فتوا داده است. (خوئی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۳۶۵). در مقابل، مخالفان تخصیص به عمومیت آیه تمسک کرده و اعتکاف را در همه مساجد جایز می‌دانند

۲-۴. حرمت ناشی از رضاع

از آیات قرآن چنین برمی‌آید که حرمت رضاع محدود به خواهر و مادر است، اما روایتی از پیامبر (ص) وارد شده که می‌فرماید: «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرَمُ مِنَ النَّسَبِ» (طوسی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۴۴)؛ به این معنا که هر چیزی که از طریق نسب حرام باشد، از طریق رضاع نیز حرام می‌شود. این روایت حکم مقید آیه را مطلق می‌کند و منجر به اختلاف فتاوی گسترده‌ای شده است. موافقان تخصیص و تقیید قرآن، بر اساس این روایت، حرمت رضاع را به سایر محارم توسعه داده‌اند. (حلی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۵۰؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۱۵؛ صاحب جواهر، ۱۴۳۳ق، ج ۲۹، ص ۳۰۹؛ آخوند خراسانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۹). در حالی که مخالفان تخصیص، بر همان حکم مقید آیه تأکید دارند. (صادقی تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۱-۲۹۲)

۲-۵. ربا

در موضوع ربا، آیه به طور کلی آن را حرام دانسته است: «و حرم الربا» (بقره/۲۷۵). اما روایتی از امام صادق (ع) آمده که می‌گوید: «لا بأس فی الربا بین الوالد و الولد» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۳۶).



موافقان تخصیص معتقدند باید این روایت را دلیل بر تخصیص عموم آیه دانست و فتوا بر جواز ربا بین پدر و فرزند صادر کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۲۰؛ آخوند خراسانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۴)، اما مخالفان بر اطلاق آیه پافشاری کرده و هر نوع ربا حتی میان پدر و فرزند را حرام می‌دانند (علم الهدی، ۱۳۷۳، ص ۴۴۱-۴۴۳؛ طوسی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۹۱)

۲-۶. اکل مال به باطل

فقهایی که حجیت خبر واحد در تخصیص قرآن را نمی‌پذیرند، بر اساس اطلاق آیه «و لا تاكلموا المومنین بالباطل»، هرگونه تصرف غیر مشروع در اموال دیگران را حرام دانسته‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۱). در مقابل، فقهایی که حجیت خبر واحد را قبول دارند، در تعیین مصادیق اکل مال به باطل به روایات مراجعه کرده و فتوا بر اساس آنها صادر کرده‌اند و در نتیجه از اطلاق آیه به نوعی دست برداشته‌اند. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۰)

۲-۷. بیع معاطاتی

یکی دیگر از موضوعات اختلاف برانگیز، مسئله بیع معاطاتی است؛ یعنی این که آیا در هر معامله‌ای جاری شدن صیغه بیع ضروری است یا خیر؟ کسانی که قائل به وجوب صدور صیغه بیع هستند، بیع معاطاتی را در معاملات مختلف مانند نکاح و معاملات تجاری حرام و باطل می‌دانند و بر این اساس، معاملات مدرن مانند بورس، بیمه، قراردادهای بانکی و معاملات مجازی را نیز باطل می‌دانند، اما گروهی دیگر، که معمولاً موافق حجیت خبر واحد در تخصیص هستند، این معاملات را جواز داده‌اند و به تبع آن هیچ یک از مراجع معاصر، حکم به حرمت این معاملات نداده‌اند. ریشه این اختلاف در پذیرش یا عدم پذیرش حجیت خبر واحد در تخصیص قرآن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۰)

۲-۸. لقاح مصنوعی

موضوع دیگری که محل اختلاف فتاوی است، بحث فرزندآوری از طریق لقاح مصنوعی است. از نظر عمومات قرآن، مشروعیت فرزندآوری تنها از طریق ارتباط زناشویی و پرورش در رحم مادر است؛ بنابراین، کسانی که تنها بر عموم قرآن فتوا می‌دهند، این روش‌ها را غیر مشروع می‌دانند. در مقابل، کسانی که حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند، می‌توانند با استناد به خبر واحد مخصص، حکم عام قرآن را تخصیص زده و جواز لقاح مصنوعی و دیگر روش‌های مشابه را بپذیرند

۳. نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی‌های انجام شده درباره تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات قرآنی به وسیله خبر واحد حاصل گردید، این است که علمای اصول در این موضوع دو دیدگاه عمده دارند؛ برخی موافق و

برخی مخالفین این مسئله هستند. همین اختلاف نظر اصولی موجب اختلاف در فتاوی آنان شده است که از جمله می‌توان به مواردی چون حرمت ربا در همه موارد بر اساس عمومیت محتوای آیه قرآن، عدم شکسته خواندن نماز در موارد غیر از خوف، حرمت خاص رضاع، عدم تفاوت فرزندان مشروع و زنازاده در ارث، عدم مانع بودن کفر و قتل در ارث‌بری، حرمت فرزندآوری از طریق لقاح مصنوعی و حرمت بیع معاطاتی اشاره کرد.

از مجموع دلایلی که هر دو طرف ارائه کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که از آنجا که قرآن عمدتاً کلیات احکام را بیان کرده و تنها در موارد محدودی به جزئیات پرداخته است، و همچنین به دلیل قوت بیشتر دلایل موافقان تخصیص و عدم صدور فتوا برخی مخالفان بر اساس مبنای اصولی خویش، می‌توان گفت دلایل موافقان تخصیص از اتقان بیشتری برخوردار است.

فهرست منابع

- قرآن، ترجمه مهدی فولادوند.
- ابن اثیر، ابوالسعادات. (۱۴۰۳ ق). جامع الاصول فی احادیث الرسول. بیروت: عبدالقادر ارناؤوط.
- احسائی، ابن ابی‌جمهور. (۱۴۰۵ ق). عوالی اللآلی. چاپ اول. قم: انتشارات سید الشهداء.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۳۲ ق). کفایه الاصول. هشتم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ، (بی‌تا). کتاب الرضاع. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ، (۱۳۸۲). تکمله التبصره. قم: مرصاد.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۰). لمحات الاصول. اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ، (۱۳۸۲). تحریر الوسیله. دهم. قم: دارالعلم.
- ، (۱۳۸۰). تهذیب الاصول. اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آملی، هاشم. (۱۳۵۶). مجمع الافکار. قم: مطبعه العلمیه.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۸۳). مطارح الانظار. سوم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بروجردی، حسین. (۱۳۷۵). نهاییه الاصول، بیست و یکم. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- ، (بی‌تا). بذر الزهر فی الصلاه الجمعه و المسافر. قم: کتابخانه آیت‌الله منتظری.
- ، (۱۳۸۶). حاشیه علی کفایه الاصول. دوم. قم: انصاریان.
- تبریزی، جواد. (۱۳۸۳). دروس فی مسائل علم الاصول. قم: دارالصدیقه الشهیده.
- حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۴۳۱ ق). درر الفوائد. هفتم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- حائری، محمدحسین. (۱۴۰۴ ق). فصول الغریبه. قم: دارالاحیاء الاسلامیه.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۹). تحریر احکام الشریعه. اول. قم: مؤسسه امام صادق.
- ، (۱۳۶۵). مبادئ الوصول الی علم الاصول. بیروت: دارالاضواء.
- ، (۱۳۸۴). تهذیب الوصول الی علم الاصول. قم: ذوی‌القربی.

- (۱۳۶۸). تبصره المتعلمین. تهران: انتشارات فقیه.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۳۲ ق). محاضرات فی الاصول. دوم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- (۱۳۶۷). اجودالتقریرات. بیست و یکم. تهران: مجمع ذخایر اسلامی.
- (۱۳۷۰). منهاج الصالحین. دوازدهم. قم: مدینه العلم.
- (۱۳۷۰). منیه السائل، بیروت: دارالمجتبی.
- (۱۳۸۷). غایه المامول من علم الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- (۱۳۸۶). هدایه فی الاصول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۷۳). رساله توضیح المسائل نوین. اول. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۷۰). اصول الاستنباط بین الكتاب و السنه. قم: شکرانه.
- (۱۳۸۰). تبصره الفقهاء بین کتاب و السنه. تهران: امید فردا.
- صاحب جواهر، محمدحسن. (۱۴۳۳ ق). جواهر الکلام. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۱). حاشیه الکفایه. تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۶). عده فی اصول الفقه. قم: انتشارات ستاره.
- (۱۴۲۵ ق). المبسوط فی فقه الامامیه. بیست و یکم. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- (۱۳۸۶). تهذیب الاحکام. تهران: دار الكتاب الاسلامیه.
- عاملی، شیخ حر. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- عراقی، ضیاءالدین. (۱۴۳۱ ق). نهایه الافکار. پنجم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- عراقی، ضیاءالدین. (بی تا). تحریر الاصول. قم: انتشارات مهر.
- علم الهدی، سید مرتضی. (۱۳۶۳). الذریعه الی اصول الشریعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۳۷۳). انتصار. دوم. قم: موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- غروی اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۸۹). نهایه الدرایه. قم: نور وحی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۳۰ ق)، مدخل التفسیر، قم: مرکز فقهی ائمه الاطهار.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). کافی. قم: دار الحدیث.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). تذکره باصول الفقه. تهران: کنگره شیخ مفید.
- (۱۳۸۶). المقنعه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). انوار الاصول. دوم. قم: نسل جوان.
- نابینی، محمدحسین. (۱۴۳۲ ق). فوائد الاصول. دهم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- علیمرادی، امان الله. «تخصیص عام قرآن با خاص خبر معتبر»، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۱، ۱۴۳-۱۵۲.